



جنگ قفقاز: یازده سپتامبر روسیه

دکتر بهرام امیراحمدیان¹

درگیری نظامی روسیه با گرجستان بر سر مساله اوستیای جنوبی که گرجستان آغاز کننده آن در روز 8 اگوست 2008 بود، رویدادی هم چون 11 سپتامبر را پدید آورده است که در منطقه بحرانی قفقاز اتفاق افتاده است. منطقه بحرانی قفقاز که حتی پیش از فروپاشی اتحاد شوروی به مرکز درگیری‌های قومی بر سر مسائل ادعاهای ارضی و قلمروخواهی بین واحدهای سیاسی (بین کشورها، یا بین دولت مرکزی و مناطق جدایی طلب) تبدیل شده بود، تاکنون در همان وضعیت باقی مانده است. گسترش ناتو بسوی شرق و نزدیکی به مرزهای روسیه، وقوع انقلاب‌های رنگین، استقرار سپر دفاع موشکی (در لهستان و جمهوری چک)، اعلام آمادگی گرجستان و اوکراین برای پیوستن به پیمان ناتو، همه مواردی است که از سوی روسیه به عنوان تهدیدی علیه مرزهای جنوب غربی و غربی نگریسته می‌شود. بویژه آنکه در آموزه‌های نظامی روسیه این قلمروها (قفقاز، آسیای مرکزی و اروپای شرقی) که زمانی جزو قلمرو امنیتی و ملی روسیه در پیرامون آن بشمار می‌رفتند، اکنون در پیوستن به ساختارهای غربی با هم در رقابت به سر می‌برند. روسیه در پیرامون مرزهای شکننده خود ناظر حضور بیگانگانی است که امنیت ملی روسیه را در نظر نمی‌گیرند و اقدامات تحریک آمیز انجام می‌دهند.

حمله گرجستان به اوستیای جنوبی و کشتن تعدادی از سربازان حافظ صلح روسی مستقر در منطقه حایل آتش بس بین جدایی طلبان و دولت مرکزی، روسیه را به واکنش تند، سریع، گسترده و مخرب واداشت. روسیه با این اقدام نشان داد که می‌خواهد در عرصه بین الملل از یک دولت ناظر و کم توان به دولتی قدرتمند و تاثیرگذار تبدیل شود.

واژگان کلیدی: منطقه قفقاز، روسیه، گرجستان، درگیری نظامی، ایالات متحده،

ناتو، سپر دفاع موشکی.

1. محقق حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و عضو هیات تحریریه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز

مقدمه

با یورش نظامیان گرجی به قلمرو منطقه جدایی طلب اوستیای جنوبی در 8 اوت سال 2008، هم‌زمان با آغاز بازی‌های المپیک پکن، بحران اوستیا به خبر سازترین رویداد جهان تبدیل شد. آیا زمان این حمله عمداً در نخستین روز آغاز بازی‌های المپیک انتخاب شده بود تا توجه جهانیان را به این مساله معطوف دارد و آن را از بن بستی که در آن گرفتار بود، رها سازد؟ آیا رئیس جمهور گرجستان از نتایج رویایی مستقیم نظامی با روسیه آگاه بود؟ چرا با وجود احتمال شکست نظامی، گرجستان به این تاکتیک نابرابر دست یازیده بود؟ چرا متحدان غربی گرجستان نخواستند گرجستان را در نبرد با روسیه همراهی کنند؟ آیا گرجستان با پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی غربی‌ها و عمدتاً آمریکایی‌ها به این عملیات از پیش ناموفق دست زد؟ ده‌ها پرسش دیگر به ذهن کارشناسان و خبرنگاران و همه آنانی که مسائل را دنبال می‌کنند و مردمی که اخبار این رویداد را شنیده‌اند، خطور کرده است. برای پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیاتی که در این بررسی دنبال می‌شود بر این مبنا استوار است که:

- رئیس جمهور گرجستان بر آورد استراتژیک نادرستی از صحنه نبرد داشته است؛
 - رئیس جمهور گرجستان همان اشتباه استراتژیک صدام حسین در اشغال کویت را مرتکب شد؛
 - رئیس جمهور گرجستان تصور نمی‌کرد روسیه در زمان برگزاری المپیک، آمادگی رویارویی با گرجستان را در قلمرو اوستیای جنوبی داشته باشد؛
- اکنون ضروری به نظر می‌رسد که به تصویر صحنه نبرد پرداخته شود. اگرچه منطقه درگیری در قلمرو حاکمیت گرجستان قرار دارد اما از نظر روسیه و رهبران جدایی طلب اوستیای جنوبی، این منطقه از گرجستان جدا شده و حکومت مستقلی دارد که بر اساس رای مردم، قبل از اعلام استقلال گرجستان از شوروی جدا شده‌اند. استدلال آنان این است که از همان حقی برای استقلال برخوردار هستند که گرجستان برای خود قائل است. اگر رویه مردم اوستیای جنوبی نادرست و غیر قانونی است، عمل گرجستان هم غیر قانونی و مشابه همان است.

بنابراین به زعم مردم اوستیای جنوبی و روسیه، گرجستان به قلمروی خارج از سیطره حاکمیت قانونی خود یورش آورده است. از طرفی از سال 1992 بر اساس موافقتنامه آتش بس بین طرفین در گیر که در سوچی (بندر دریای سیاه روسیه) به امضاء رسید، در منطقه حایل بین خاک اصلی گرجستان و قلمرو اوستیای جنوبی سربازان پاسدار صلح روسی، گرجی و اوستیای شمالی (جمهوری خودمختار تابع فدراسیون روسیه واقع در مرز اوستیای جنوبی با روسیه) با نظارت "کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا" (بعدها سازمان)، مستقر و از آن سال از رویارویی مستقیم طرفین در گیر جلوگیری کرده اند. با روی کار آمدن ساکاشویلی در جریان تظاهرات و اعتصابات گسترده سال 2003 که به "انقلاب رز" یا "انقلاب مخملی" معروف شد، وی در برنامه براندازی حکومت شورادنازه و همچنین در زمان انتخابات ریاست جمهوری، در کنار وعده مبارزه با فقر، بیکاری، فساد اداری، وعده اعاده حاکمیت دوباره گرجستان بر مناطق جدایی طلب اوستیای جنوبی، آبخازیا و آجاریا را به مردم گرجستان داده بود. با این وجود به علت شرایط داخلی و بین المللی و با در نظر گرفتن ناتوانی های مالی و اقتصادی و عدم تحقق وعده های هم پیمانان غربی در ارائه کمک بلاعوض، رئیس جمهور در بر آورده کردن همه شعارهای اعلامی ناکام ماند. در نهایت در انتخابات پارلمانی سال 2007 که با شورش هایی گسترده و سرکوب شدید آن از سوی دولت همراه بود، رئیس جمهور محبوبیت خود را بشدت در بین مردم از دست داد. در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در سال 2008 که ساکاشویلی ناگزیر به استعفای از مقام خود شده بود و بنا بر ادعای مخالفان انتخاباتی سالم نبود، هر چند نهادهای غربی بر آن صحه گذاشتند، تنها اندکی بیش از نیمی از حائزین شرایط در رای گیری شرکت کردند، ساکاشویلی حد 52 درصد از آرا را کسب کرد. به بیانی دیگر حمایت از رئیس جمهور به یک چهارم انتخابات نخستین رسید. اکنون رییس جمهور با فراقنی مشکلات به خارج از کشور، همه ناکامی های خود را در وجود پایگاه های نظامی روسیه در گرجستان، حمایت روسیه از جدایی طلبان، ارسال کمک های نظامی و اقتصادی به آنان، حمایت های سیاسی از آنان و مخالفان داخلی خود می دانست. بنابراین لازم بود که روسیه را از صحنه نبرد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی گرجستان خارج سازد. نزدیکی به غرب و

ادغام در ساختارهای یورو آتلانتیکی و پیوستن به دایره دوستداران آمریکا تنها راه رهایی از سلطه همه جانبه روسیه قلمداد می‌شد. به همین سبب گرجستان با جسارت و شهامت در این راه گام برداشت و در هر فرصتی از تحقیر و اهانت به روسیه و ضربه زدن به همسایه قدرتمند شمالی خود ابا نداشت.

این مجموعه اقدامات ضد روسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- حمایت از مبارزین چپن‌ها در زمان نبرد آنان با دولت مرکزی روسیه و باز گذاشتن و در اختیار قرار دادن راه مبادلاتی آنان با جهان خارج از کنترل روسیه در دره پانکیسی،
- اتهام جاسوسی و اخراج دیپلمات‌های روس از گرجستان،
- درخواست خروج پیش از موعد اتمام قرارداد پایگاه‌های روسی در گرجستان،
- مخالفت و وتوی پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی،
- فعال سازی سازمان کشورهای گوآم علیه حضور روسیه در قفقاز،
- مشارکت فعال در تحقق یافتن و عملی شدن احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان برای کاهش نفوذ روسیه در قفقاز،
- کوشش در قطع روابط دیپلماتیک با روسیه،
- همکاری نزدیک با جبهه مخالفان روسیه در اوکراین و به ثمر رساندن انقلاب نارنجی در این کشور و تضعیف جایگاه روسیه.

رقابت روسیه با آمریکا سرانجام به رویارویی و درگیری بین روسیه و گرجستان منجر شد و کشوری کوچک و ناتوان با حمایت‌های آمریکا و اروپا این جرات را پیدا کرد تا به درگیری نظامی با کشوری قدرتمند و تاثیر گذار در محیط منطقه‌ای و جهانی اقدام کند. البته گرجستان این معادله را در نظر گرفته بود که اگر جمهوری خودمختار چچن که یک منطقه کوچک در همسایگی گرجستان و در قفقاز شمالی در ترکیب فدراسیون روسیه بتواند روسیه را ناتوان سازد، گرجستان نیز با حمایت غرب می‌تواند با این قدرت درگیر شود. از طرفی پایان یافتن

دوره ریاست جمهوری پوتین بر روسیه و روی کار آمدن دیمتری مدودف نیز در این تصمیم گیری بی تاثیر نبوده است. گرجستان با توجه به تحولات دوران ریاست جمهوری ساکاشویلی و پس از انقلاب رز که در تعامل با روسیه برخوردهایی خشن، تحقیر آمیز و بدور از عرف دیپلماتیک از خود نشان داده بود، امیدوار بود که در صورت حمله به اوستیای جنوبی می تواند یک شبه این منطقه را تسخیر و روسیه را وادار به عقب نشینی نماید. در برابر همه این وقایع و بردباری های بسیار، روسیه این بار با عملیات نظامی همه جانبه ای پاسخ داد، موردی که در معادلات استراتژیکی غرب بدان نیاندیشیده بودند. از این رو عملیات نظامی روسیه هم چون رویداد اول سپتامبر موجب شگفتی غرب و بویژه ایالات متحده شد و از طرفی این پدیده به واقعه 11 سپتامبر تشبیه می شود که در محاسبات آمریکایی ها و اسرائیلی هایی که در پشت محافل افراطی غربگرا و جنگ طلبان گرجستان قرار داشتند، جایی نداشت. آنها می پنداشتند که دوره مدودف دوره ای آرام از نظر نظامی و استراتژیک است و اعاده حاکمیت دوباره گرجستان بر مناطقی است که از پیش از کسب استقلال از شوروی از گرجستان جدا شده بودند.

گرجستان و مساله جدایی طلبی

گرجستان کشوری چند پاره است که از مناطق جغرافیایی و قومی متفاوت تشکیل شده است. گرجستان الگوی کوچکتر قفقاز است. در گذشته تاریخی گرجستان می توان این پیشینه را مطالعه کرد. بجز سده دوازدهم میلادی که در این قلمرو حاکمیتی یکپارچه وجود داشت در سده های بعدی هر یک از قلمروها برای خود ساختار حکومتی و پادشاهی جدا داشتند. از سده شانزدهم میلادی به بعد گرجستان در میان ایران صفوی (گرجستان شرقی یا کاتلی و کاختی) و امپراتوری عثمانی (گرجستان غربی یا ایمرتی) تقسیم شده بود. به همین سبب گرجستان در اواخر قرن هیجدهم داوطلبانه به روسیه پیوست و از سال 1801 در حاکمیت روسیه قرار گرفت. پس از فروپاشی امپراتوری روسیه در سال 1917، حکومتی موقت با استفاده از خلا قدرت در این قلمرو به ظهور رسید که در بین سال های 1918 تا 1920 بدست منشویک های گرجی اداره می گردید. در آن زمان نیز مساله جدایی اوستیا، آبخازیا و آجاریا (البته مورد آخر

اندکی ضعیف تر) مطرح بود و مناقشه‌ای خونین و طولانی با دولت تفلیس وجود داشت. با هجوم دوباره روس‌ها به قفقاز در سال 1920 در این منطقه حکومت شوروی برقرار شد. در دوره شوروی استقلال آبخازیا به فراموشی سپرده شد ولی برای اوستیای جنوبی، آبخازیا و آجاریا حکومت‌های خودمختار در درون گرجستان شوروی تعریف و به اجرا گذاشته شد. با فروپاشی شوروی بار دیگر مساله استقلال این مناطق مطرح گردید و توان هر دو طرف گرجی و جدایی خواهان را بخود معطوف داشت. این سرنوشت تلخ هم برای گرجی‌ها و هم برای اوستها و آبخازها، بجز جنگ قدرت، آوارگی و مرگ چیزی به ارمغان نیاورد و روسیه از این مناطق به عنوان نقاط فشار بر گرجستان و گرجستان به عنوان مستمسکی برای رویارویی و انتقام‌گیری از روسیه بهره گرفته‌اند.

احتمال توفیق ادوارد شوارنادزه رئیس جمهوری قبلی گرجستان برای اعاده حاکمیت بر مناطق جدایی طلب بیش از رئیس جمهور کنونی بود که در اثر انقلاب به اصطلاح رنگین (یا مخملی یا انقلاب رز) در سال 2003 بروی کار آمد. شواراد نادره می‌توانست در همان سال‌های نخستین استقلال با معامله با روسیه و برقراری مناسبات نزدیک‌تر با آن، تمامیت ارضی خود را بدست آورد، اما غرب‌گرایانی که به سرعت بسوی غرب در حرکت بودند و ایده‌ها و آمال‌های خود را در پیوستن به غرب جستجو می‌کردند، این شانس را از شواراد نادره گرفتند و شواراد نادره موقعی به این اشتباه استراتژیک خود پی برد که عمر حکومتش بسر آمده بود و نیروهای غربگرا با کمک ساختارها و کمک‌های مالی او را سرنگون کردند. ساکاشویلی در همان سال اول حکومت خود تنها با یک گرایش بسوی همکاری با مسکو موفق شد جمهوری خودمختار آجاریا را که عملاً از گرجستان جدا شده و از سوی دولت‌مردی با نفوذ به نام آصلان آباشیدزه اداره می‌شد، بدون جنگ و خونریزی به حاکمیت دوباره گرجستان در آورد. وی رویای گرجستان واحد را داشت که همچون سده دوازده میلادی بتواند خود را به سال‌های اوج و شکوفایی نزدیک کند. اما این رویا عملی نشد و در معادله نزدیکی گرجستان به غرب، منافع روسیه به مخاطره می‌افتاد، موردی که در محاسبات استراتژیک گرجستان کمتر بدان توجه می‌گردید. برآورد نادرست استراتژیک گرجی‌ها از روس‌ها بود.

درگیری گرجستان با اوستیای جنوبی

نگرش روسیه به قفقاز در جهت حفظ و حراست از مرزهای جنوبی خود با گرجستان و تامین امنیت ملی خویش است. نگرش و گرایش غرب به قفقاز، دوستی با دولت‌ها و نزدیکی به منطقه قفقاز، کسب منافع بیشتر، حذف روسیه، تجزیه مناطق و جمهوری‌های پیرامون بویژه قفقاز شمالی و در نهایت تجزیه روسیه است. اگر گرجی‌ها این معادله را می‌دانستند یا باید از نظر نظامی، استراتژیک، اقتصادی و از دیگر جنبه‌ها بر روسیه تفوق داشته باشند و یا باید از سوی حامیان غربی خود تجهیز می‌شدند و توان خویش را افزایش می‌دادند. اما باید دانست که روسیه هنوز یک قدرت اتمی است که می‌تواند در صورت ضرورت چندین بار عرصه جهان را به تلاطم درآورد. از طرفی روسیه به اندازه کافی از سوی غرب تحقیر شده و علاقه‌مند بود توان نظامی خود را به نوعی به غرب نشان دهد، به ویژه در منطقه منافع حیاتی خود در قفقاز. از طرفی این مورد نیازمند بهانه‌ای بود تا اینکه برخی محافل جنگ طلب در دولت ساکاشویلی این بهانه را با دل بستن به حمایت غرب و ناتو به روسیه دادند و با حمله به صلح‌بانان روسی و کشتن آنان شهر تسخینوالی مرکز اوستیای جنوبی را در یک عملیات نظامی برق آسا البته بدون لجستیک کافی تسخیر کردند. این درست زمانی اتفاق افتاد که مردم جهان مشغول تماشای برنامه افتتاحیه المپیک 2008 پکن بودند، روز خوش یمن و به قول ستاره شناسان روز سعد 2008/8/8؛ اما همان گونه که گفته می‌شود، فرماندهان روس منتظر بودند تا اتفاقی بیافتد و مهم نبود که جنگ از کدام طرف آغاز شود و چه کسانی کشته شوند، بلکه از نظر تاکتیکی مهم این بود که حمله‌ای صورت گیرد و بهانه بدست روس‌ها بیافتد.

بدنبال آن گرجستان ناگزیر شد با پذیرش شکست بلافاصله از تسخینوالی عقب نشینی کند. روس‌ها برای جلوگیری از پیشروی دوباره گرجی‌ها آنها را به خارج از منطقه عقب رانده و علاوه بر تسخیر شهر، بسوی شهر گوری (زادگاه استالین) در جنوب شرقی تسخینوالی و در غرب تفلیس پیشروی کرده و آن شهر را نیز تسخیر کنند. حتی روس‌ها نقاطی استراتژیک از جمله کارخانه مونتاز هواپیمای جنگنده سوخو در تفلیس را بمباران کردند و حدود 65 تانک و

45 جیب آمریکایی هامر را به غنیمت گرفته و انبار مهمات را آتش زدند. روس‌ها ادعا کردند که در داخل جیب‌های هامر ادوات جاسوسی نصب شده بود.

نتایج مناقشه و علل پاسخ شدید روسیه

اکنون با توجه به آنچه گذشت، می‌توان دریافت که اختلاف دو کشور بسیار ریشه‌دارتر از آن است که به نظر می‌رسد. سوالی که مطرح است این است که آیا گرجستان احتمال شکست در جبهه نظامی را پیش‌بینی کرده بود؟ آیا این عملیات با فرض پیروزی دنبال می‌شد؟ با وجودی که روسیه قدرت اتمی و دارای نیروی نظامی توانمندی است و گرجستان کشوری ضعیف و ناتوان در رویارویی با ارتش قدرتمند روسیه، آیا گرجستان می‌توانست بر این ارتش پیروز شود؟ هدف گرجستان و شخص فرمانده کل قوای گرجستان از انجام این عملیات چه بود؟ آیا اشتباه برآورد استراتژیک رئیس‌جمهور گرجستان سبب بوجود آمدن این حادثه شد؟ و دهها سوال دیگر می‌توان بر این رویداد مترتب دانست.

در پاسخ به این سوال‌ها که کلید حل این معمای پیچیده است می‌توان یاد آور شد که احتمال می‌رود گرجستان برای خروج این وضعیت از بن بست و توجه جامعه جهانی به مساله تمامیت ارضی و مزاحمت‌هایی که روسیه در احقاق حاکمیت گرجستان بر مناطق جغرافیایی خود ایجاد کرده است، دست به این خودکشی سیاسی زده است. رئیس‌جمهور گرجستان در حال از دست دادن محبوبیت و مشروعیت خود در داخل به علت عدم توانایی در حل مشکلاتی است که از دولت قبلی به ارث برده است و از نظر اقتصادی توانایی آن را ندارد که این مسائل را حل کند و جدایی مناطق هزینه‌های زیادی بر دولت مرکزی تحمیل می‌کند و عدم النفع بسیاری را سبب می‌شود. گرجستان بخوبی می‌دانست که یارای رویارویی با روسیه را ندارد، اما برای این حمله قبلا تدارک دیده بود. او کراین اعتراف کرده است که محموله‌های تجهیزات نظامی به گرجستان ارسال کرده است. این عمل او کراین طبیعی به نظر می‌رسد که به یک هم پیمان انقلاب رنگی و شریک پیمان گوآم در برابر دشمنی مشترک کمک رساند.

آشکار است که پاسخ روسیه به گرجستان بیش از عمل گرجستان و در واقع تنبیهی شدید بوده است. اما این عملیات نشان دهنده خشم فروخته روسیه طی سال‌ها رجز خوانی گرجستان علیه روسیه بوده است. گرجستان به عنوان همسایه‌ای در جنوب غربی روسیه که مرزهای شمالی آن تماماً منطبق بر خط الراس کوه‌های قفقاز و نیز جمهوری‌های قفقاز شمالی در فدراسیون روسیه است، موجب افزایش تنش و تهدید امنیت ملی برای روسیه بوده است. به همین سبب روسیه بارها به گرجستان هشدار داده است که حق حسن همجواری و همسایگی را رعایت و از ورود نیروهای نظامی ناتو و کشورهای خارج از منطقه به قلمرو خود ممانعت کند، موردی که گرجستان هیچ‌گاه آن را رعایت نکرده و حتی سبب تهدید مستقیم مرزهای روسیه شده است. مرزهای شکننده روسیه با گرجستان که مرزهای جنوبی جمهوری‌های خودمختار قفقاز شمالی است و خود منطقه‌ای بحرانی است، برای روسیه و امنیت ملی آن از اهمیت استراتژیک برخوردار است. گرجستان به علت شرایط نامناسب اقتصادی توانایی تامین هزینه‌های نگهداری از این مرزهای 980 کیلومتری صعب‌العبور کوهستانی (قفقاز بزرگ) را ندارد.

غرب با استقرار سپر دفاع موشکی در پیرامون مرزهای غربی روسیه قصد محاصره و دربرگیری نظامی روسیه را دارد و گرجستان و اوکراین، دو جمهوری سابق اتحاد شوروی در کنار آذربایجان و مولداوی "سازمان همکاری گوآم" را در برابر سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و ایستادگی و مخالفت در برابر روسیه تشکیل داده‌اند. هر دو کشور تصمیم دارند به ناتو بپیوندند، موردی که روسیه شدیداً به آن اعتراض دارد.

روسیه در برابر ابتکار سپر دفاع موشکی، ابتدا به غرب اعتراض کرده و سپس تهدید به مقابله با کشور میزبان سامانه‌های موشکی غرب کرده است. اما در عین حال پیشنهاد همکاری با غرب و در اختیار گذاشتن رادار خود در قلمرو آذربایجان را برای همکاری پیشنهاد داد و در مقابل بی‌تفاوتی آمریکا عکس‌العمل نشان داده و از پیمان کنترل سلاح‌های متعارف در اروپا خارج شد و استقرار سامانه‌های دفاعی جدید سراسری روسیه را در برنامه خود قرار داد.

مورد دیگری که سبب عکس‌العمل شدید روسیه گردید، اعلام استقلال کوزوو بدون رضایت کشور مادر (صربستان) و پشتیبانی ایالات متحده و اتحادیه اروپا از آن بود که با وجود

مخالفت شدید روسیه منجر به شناسایی بین المللی (متحدان آمریکا) گردید، هر چند گرجستان به دلیل داشتن شرایط مشابه در مورد اوستیا و آبخازیا با آن موافقت نداشت. روسیه اعلام کرد که این مورد سبب خواهد شد تا در اوستیای جنوبی، قره باغ و آبخازیا نیز اعلام استقلال شود. هم چنین ترانس دنیستر در مولداوی نیز می تواند در این چارچوب مورد ملاحظه قرار گیرد.

همان طور که گفته شد، زمینه درگیری دو کشور از قبل فراهم بود اما در سال 2008 اتفاقات دیگری نیز در جریان بوده است. برگزاری مانور نظامی گسترده "قفقاز 2008" روسیه در قلمرو قفقاز شمالی و سواحل دریای سیاه در بهار 2008، نشان می داد که آماده باش کاملی به نیروهای مستقر در قفقاز شمالی داده است که در برابر نا آرامی های قفقاز شمالی و عملیات گسترده احتمالی در قفقاز جنوبی بوده است. در گرجستان نیز برای این حمله تدارک دیده شده بود. در پاییز سال 2005 "ادوارد کوکوتی" (رئیس جمهور خودخوانده اوستیای جنوبی) برای اولین بار به طور علنی اعلام کرد که او کراین به گرجستان تانک های "تی-72"، بلگردهای "می-8"، زره پوش، موشک و دیگر اقلام تسلیحاتی صادر می کند.

در اواسط ماه مه سال 2008 مقاله ای در سایت وزارت دفاع اوکراین مبنی بر کمک های نظامی کشورهای خارجی به گرجستان منتشر شد. در آن مشروحاً به تعداد و نوع تسلیحات و کمک های نظامی که گویا اوکراین در اختیار گرجستان قرار داده اشاره شده است. اما داده های روسیه با اطلاعاتی که کیف در گزارشات سالانه خود به سازمان ملل متحد ارائه داده، تفاوت داشت. بعنوان مثال بنا به اطلاعات این گزارش، در سال 2005 گرجستان 16 تانک از اوکراین دریافت کرده بود، حال آنکه بر اساس گزارشات روسیه تعداد آنها 31 دستگاه بوده است.

منبع خبری "نزاویسیمایا گازیتا" ادعا می کند که اطلاعاتی که کیف به سازمان ملل متحد ارائه می دهد کامل نیست. بعنوان مثال بنا به اطلاعات وزارت دفاع روسیه، اوکراین در بهار سال 2008 قصد فروش 25 زره پوش "ب ت ار-80"، 20 خودرو زرهی "ب ام پ-2"، شش مجموعه پدافند موشکی "بوک"، 50 مجموعه موشکی "ایگلا-1" و 400 فروند موشک

برای آنها و اقلام دیگر را به گرجستان داشته است، وزارت دفاع اوکراین این اطلاعات را قاطعانه تکذیب می کند.

علاوه بر آن از سال‌های پایانی حکومت شوارد نادزه همکاری نظامی گرجستان با آمریکا آغاز گردید. پس از روی کار آمدن ساکاشویلی در گرجستان، گرایش به ساختارهای اروپایی و غربی و همکاری نظامی با آمریکا بیشتر گردید. تجهیز ارتش گرجستان از سوی آمریکا و اوکراین به این کشور این باور را داده بود که می‌تواند با روسیه درگیر شود. اما موازنه استراتژیک گرجستان با روسیه قابل مقایسه نیست و در حالی که روسیه خود را رقیب ایالات متحده در مسائل نظامی - استراتژیک می‌داند، چگونه گرجستان به این باور رسیده است. (ریا نووستی، 1387/05/17)

آینده مناقشات قفقاز

سوالی که در ذهن بسیاری از کارشناسان و سیاستمداران پیش می‌آید این است که آینده این مناقشه چیست؟ آیا الگوی قفقاز می‌تواند در دیگر نقاط جهان دنبال شود؟ آیا پس از یک‌جانبه‌گرایی‌های آمریکا در حمله نظامی به افغانستان (2001)، اشغال نظامی عراق (2003)، روسیه نیز می‌تواند اقدام به نقض حاکمیت دیگر کشورها (گرجستان) نماید؟ آیا شناسایی رسمی یک منطقه جدایی طلب بدون رضایت و خواست دولت مادر (کوزوو) در بالکان، از سوی غرب و ادامه این روند در قفقاز (اوستیای جنوبی و آبخازیا) از سوی روسیه آیا در مناطق دیگر (قره باغ، ترانس دنیستر و...) نیز می‌تواند تکرار شود. در این مورد باید یادآور شد که عوامل و بازیگران متعددی در این عرصه به ایفای نقش می‌پردازند. آنچه مسلم است این است که روسیه اکنون با توانمندی و اقتدار بیشتری نسبت به گذشته در حال ایفای نقش است. حل مساله چچن و فرونشاندن تقریبی بحران در قفقاز شمالی و انجام اصلاحات اقتصادی و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی شهروندان روسی و مبارزه با مافیای گسترده روسیه و انهدام باندهای تبهکار و ثبات سیاسی و اقتصادی به روسیه این امکان را داده است که بتواند در عرصه بین‌الملل تاثیر گذار باشد. روسیه به عنوان قدرت هسته‌ای قدرتمند و عضو دارای حق وتو شورای امنیت که خود درگیر مناقشه است، به آمریکا این امکان را نخواهد داد که در امور او دخالتی تاثیر گذار داشته باشد. بویژه آنکه آمریکا در حمله و اشغال نظامی افغانستان و عراق

خود پرونده ای سیاه دارد و نمی تواند مانع عملیات روسیه در رفع تهدیدات امنیتی در مرزهای خود داشته باشد. ورود آمریکا به عرصه مناقشه می تواند سبب طولانی شدن حل مناقشه شود. ایالات متحده آمریکا خواستار توقف جنگ و بازگشت مناقشه به موقعیت قبل از درگیری است. سفر وزیر خارجه آمریکا به تفلیس اگرچه برای حمایت از گرجستان اعلام شده است، ولی می توان حدس زد که بیشتر برای راضی کردن گرجستان برای توقف جنگ صورت گرفته است. دستور جورج بوش به وزارت دفاع آمریکا برای انجام عملیات امداد رسانی و کمک های بشر دوستانه و درخواست از روسیه برای فراهم کردن امکان کمک رسانی به حادثه دیدگان نشان می دهد که آمریکا قصد رویارویی با روسیه را ندارد.

مصوبه دومای دولتی روسیه دایر بر شناسایی استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا و سپس تایید آن از سوی شورای فدراسیون روسیه، موجب حیرت غرب شد. متعاقب آن "دیمیتری مدودف" رئیس جمهور فدراسیون روسیه در 5 شهریور 1387 حکم به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازی از سوی روسیه را امضا نمود. رئیس جمهور در این روز طی سخنرانی تلویزیونی گفت: "با در نظر داشتن اعلام آزادانه اراده مردم اوستیا و آبخازی، با ملاک قرار دادن آیین نامه سازمان ملل متحد، بیانیه مصوبه سال 1970 درباره اصول قوانین بین الملل در رابطه با روابط دوستانه بین کشورها، صورت مجلس هلسینکی سازمان امنیت و همکاری اروپا مصوبه سال 1975 و سایر اسناد پایه بین المللی، من حکم به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و استقلال آبخازی از سوی فدراسیون روسیه را امضا کردم." به گفته وی، "روسیه سایر کشورها را فرا می خواند که از این الگوی پیروی کنند. رئیس جمهور گفت: "این انتخابی دشوار است، اما این تنها امکان برای حفظ جان مردم است." (ریا نووستی،

(1387/06/05)

با این اقدام روسیه روابط روسیه با غرب به تیرگی گراییده است. اجلاس اضطراری اتحادیه اروپا در روز 11 شهریور ماه نتوانست به جمع بندی یک دستگی نایل شود. تهدید به اخراج روسیه از گروه جی 8 نیز نمی تواند بر عزم روسیه خللی وارد کند. در شورای امنیت هم با وجود چندین نشست امکان صدور قطعنامه ای کارساز علیه روسیه به جهت جایگاه روسیه در

این شورا به عنوان یکی از پنج عضو دائم و دارای حق وتو، فراهم نشده است. از سوی دیگر آمریکا خود با حمله نظامی گسترده به افغانستان در 2001 و اشغال نظامی عراق در 2003 و شناسایی استقلال یک‌جانبه کوزوو در آغاز سال 2008، به اندازه کافی بهانه به دست روسیه برای جنگ با گرجستان داده است. به زعم روسیه، اگر آمریکا می‌تواند تهدیدات امنیت ملی و حیاتی خود را در فراسوی اقیانوس‌ها خود با حمله و تهاجم نظامی برطرف کند، طبیعی است که روسیه در کنار مرزهای جنوبی خود به طریق اولی می‌تواند از این حق برخوردار شود. بدین ترتیب با رویه‌هایی که آمریکا بکار برده و روسیه بدان تاسی می‌جوید، نظام بین‌الملل تبدیل به نظام زورمدارانه‌ای شده است که کشورهای کوچک سهم کوچکی از استقلال را دارا باشند. این نظم بایستی دگرگون گردد.

1. مصاحبه پوتین با شبکه سی ان ان در 2 سپتامبر 2008.
 2. همشهری آنلاین، 23 مرداد 1387.
 3. "گرجستان کوچک و بی دفاع"، روزنامه اعتماد ملی، 1387/5/23.
 4. "جنگ در گرجستان متوقف نمی شود"، گفت و گوی «ایران» با دکتر پیر شابل، متخصص ژئوپلیتیک آسیا، روزنامه ایران، مورخ 1387/5/28.
 5. "اوکراین صدور تجهیزات نظامی به گرجستان را تایید کرد"، سایت فارسی ریا نووستی، 1387/05/17.
 6. روزنامه ایران، گروه بین الملل، مورخ 1387/6/4.
 7. روزنامه ایران، گروه بین الملل، مورخ 1387/6/7.
 8. سایت ایراس، دوشنبه 11 شهریور 1387.
 9. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، 13 شهریور 1387.
 10. بی بی سی 28 اوت 2008 برابر 7 شهریور 1387.
 11. خبرگزاری ریانووستی 5 شهریور 1387.
 12. خبرگزاری ریا نووستی، 14 شهریور 1387.
 13. سایت فارسی ریا نووستی، 1387/06/05.
 14. "بزرگنمایی، تعبیر شرودر از جنگ سرد نامیدن بحران گرجستان"، ترجمه؛ محمدعلی فیروزآبادی، روزنامه اعتماد ویژه نامه آخر هفته پنجشنبه 7 شهریور 1387.
15. http://www.mfa.gov.ge/index.php?lang_id=ENG&sec_id=461&info_id=788, 3 September 2008 , Press and Information Department